

## به کجا چنین شتابان؟ حکایت همچنان باقی است!

پیوسته به گذشته بخش پنجم



محمد امین فروتن

از شخصی پرسیدند برادرت کجاست؟ گفت؛ در فلان شهر زندگی می‌کند پرسیدند، کارش چیست؟ گفت؛ از طریق نویسندگی امرار معاش می‌کند. با تعجب گفتند؛ ولی برادرت که سواد چندانی نداشت چگونه نویسنده می‌گردد؟ آن مرد جواب داد که در اول هر ماه به پدرم نامه می‌نویسد که برایش پول بفرستد!

یکی از خوشوقتی‌های ما و نسل ما داریم و علی‌الاصول همه مردم باید داشته باشند این است که عزیزان مقامات مسؤل!! ( علی‌الخصوص نازپروردگان و زرا و مزد بگیران روشنفکر نما ها !!) در ریشه‌یابی مشکلات و معضلات جامعه و کشور حرف و شعار شان ثانی ندارد اما وقتی پای عمل به میان می‌آید مانند آن مرد بیسواد ی که ذکر آن در حکایت آمد برای ولی نعمت اش نامه مینویسند و پول طلب میکند!! و چنانچه در قسمت‌های قبلی به میتود‌های نو غارتگری استعمار جدید مختصراً اشاره نمودیم امروز استعمار با درس گرفتن از هر شکستی که در راه غارتگری ملت‌های جهان سوم بدست آوردند و عقلاء و کارشناسان نظام سرمایه‌داری با توجه به آن شکست‌های که در وجه و جب سرزمین‌های نیم‌قاره هند تحمل کرده بودند به شیوه‌ها و میتود‌های کاملاً جدیدی رو آورده‌اند. شیوه‌های کاملاً آزموده شده در بزرگترین لابراتوارهای اقتصادی و امپریالیستی دنیا که با ایجاد فرهنگ کاذب مصرف، گام به گام سرزمین اراده‌ملتها را تسخیر میکنند و به گفته دانشمندی نظام روبه زوال سرمایه‌داری یا همان کاپیتالیزم به عقل می‌آیند و ویروس مهلک «تجمل» بنام «تجدد» را در شریان‌های فرد، فردی از جامعه و ملت تزریق می‌سازند. مسأله به عقل آمدن استعمار نو که با آنتن‌های هوش صنعتی نظام سرمایه‌داری بصورت مشارکتی و سهامی وارد عمل میشوند تا سپس شرکت‌های بزرگ چند ملیتی مخابراتی در حوزه ارتباطات نهاد‌های اند که به عنوان اهرم‌های مهار،

روح ملت های جهان سوم مورد استفاده قرار میگیرند . سخت شگفت انگیز و ساده لوحانه خواهد بود ، اگر عکس العمل ها و واکنش های برخی از مدعیان مبارزه بی آمان با استعمار و نظام سرمایه داری جهانی معاصر را بدون آنکه میتود ها و شیوه های نفوذ استعمار گران و بیگانه گان را تشخیص و ارزیابی کنند ، تنها با شعار های مرده باد و زنده باد !! مدعیان مبارزه و مقابله با استعمار جهانی بسنده کرد و حساب باز نمود . چنانچه در همین اواخر آنگاه که آقای حامد کرزی رئیس اداره مافیائی کابل برای امضای موافقتنامه با ایالات متحده امریکا را شرط و شروطی گذاشت از آنجائیکه شرایط امضا بر معاهده میان افغانستان و امریکا چنان فریبنده و به ظاهر مقبول به نظر می آیند که چشمان برخی از حلقه های نامدار اوپوزسیون مسلح اداره مافیائی کابل را ربود و در راستای ذکر فیوضات مادی و معنوی نظام مبارکه سرمایه داری لبرال که طی چند دهه بصورت غیر مرئی و بیش از یکدهه بصورت مستقیم گلون سرنوشت مردم ما را می فشارد . یکی از آن شرایط فریبنده ای که بازاروقیعت خوبی دارد همین داخل نه شدن نیروهای امریکائی به خانه ها و منازل مردم افغانستان است ! هرکسی که این شرط شعار گونه را بشنود و با دقت مورد حلاجی قرار دهد شعار بسیار جذاب و دلنشینی هست که باید با جدیت تمام از ان پشتیبانی کنند ! اما اگر بر بالهای هوش و عقلانیت کمی هم به تاریخ گذشته نه چندان دور یعنی آنگاهی که نیروهای بیگانه بویژه سربازان نصرانی!! و یهودی ایالات متحده امریکا !! در افغانستان حضور نداشتند و افغانستان به دارالحرب "سیا" سی مبدل نه شده بود و در هر چند دقیقه ای کودکان مظلوم و زنان تهی دست و مردان بینوای افغان درچنین حالتی و در اوجی از چنین شعارهای بدون مصرف و میان تهی جان می دادند ، و بینوایان و نسل بازمانده ای از قربانیان جنگ و معرکه با فریاد بلند همین کفار و صلیبی ها را به دلیل فراموشی افغانستان و اینکه ملتی را در جنگ با اهریمنان مذهبی و سکولار تنها مانده بودند ملامت می دانستند !! بدون تردید نه آن دعا و ملامت دانستن بیگانه ها توجیه منطقی داشت و از دل و ایمان توده های تهی دست این سرزمین برخاسته بود و نه هم اکنون که تاهنوز هم هرگاهی به دلایل گوناگون فرهنگی -سیاسی و تاریخی و ویروس بنیاد گرایی غیراجتهادی مذهبی که برگزگتمان و قرنت خشن طالبانی استوار است و در هر ساعت و هر لحظه ای انسان مظلوم این سرزمین را نشانه میگیرد ، شعار خروج نیروهای خارجی یا به قولی "صلیبی ها" و "کفار" از افغانستان اسلامی شعار عاقلانه و برخاسته از نیاز تاریخی و ملی این سرزمین محسوب میشود . البته چنانچه گفتم عده ای از برجسته ترین تیوریسن ها و توجیه گران چنین شعاری که همچون "خروس بی محل" سر میدهند در راستای اطمینان به رئیس کرزی بدون التفات و توجه به میتود های تازه و جدیدی از نظام سرمایه داری معاصرو آنچه را که استعمار نوین بین المللی بحیث آنتن های هوش استیلا و غارت گری استفاده میکنند وزدان بین المللی حاکم بر سرنوشت افغانستان طی دوازده سال گذشته به مثابه تریاک برای تخدیر نسل جوان این سرزمین مورد استفاده قرار داده است در جمله سرمایه های ملی می شمارند !! چنانچه یکی از رجال برجسته و صاحب نامی از همین معرکه که تصور می فرمایند میتوان رئیس اداره کابل را با همین سادگی همچون طفل شیرخواری با نشان دادن شیشه ء قشنگ مگر میان تهی از نظام سرمایه داری مافیائی که همچون کودک شیر خوار بر آن چسپیده است جدا ساخت . چنانچه وی دربخشی از یک نامه ای سرگشاده عنوانی جناب کرزی که از وی به لقب رئیس جمهور جناب کرزی یاد میکند چنین ابراز اطمینان میکند :

\* « افغانها اینقدر هم به کمکهای بیگانگان محتاج نیستند که بعضی ها میگویند و آنرا عامل اساسی بقای ما میخوانند، اگر صلح تأمین شود نه به کمکهای خارجی محتاج خواهیم بود و نه به این تعداد نیروی امنیتی اجیر، مدارک زیاد عوائد داریم، تنها از طریق کنترل مطمئن مخابرات و گمرک آنقدر چیزی بدست آورده میتوانیم که خیلی مشکلات ما را حل کند، اگر افغانها همین امروز بیست ملیون مایل داشته باشند، و هر یکی روزانه ده پانزده دقیقه از مایل خویش استفاده کند و مصرف اشرا یک دالر حساب کنیم پس سالانه هفت ملیارد و دو صد ملیون دالر میشود، این مبلغ امروز یا در جیب های شخصی می افتد، یا در خریده کمپنی هائیکه نظامیان کشورهای شان در اشغال افغانستان همرامی آمریکا را میکنند، به این ترتیب در دوازده سال گذشته تقریباً (۸۶۴۰۰۰۰۰۰۰۰) دالر از افغانها بدست آمده، آیا همین برای دولت کفایت نمیکند؟! علاوه بر این موقعیت، معادن و ذخائر زیر زمین افغانستان... طوری اند که در صورت امنیت خیلی کشورهای غنی مطابق شرایط ما به کمک پیش خواهند آمد.»

شاید آن بزرگواری که رئیس اداره کابل را با این ضرب زبانی های مافیائی و دشلمه های به میعاد گذشته استخباراتی ، تشویق و ترغیب میکنند تا از امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا ابا ورزد و گویا در آخرین ایام حکومت اش نام نیک پیدا کنند !! نه میداند و یاهم نه میخواهد بداند که آن همه ارقام مافیائی بویژه در حوزه ارتباطات و کمونکیشن چیزی نیست مگر آنتن های بی زبان و تریاک ماندی که همچون ادویه تخدیر کننده در رگهای نسل جوان وبالنده ای از کشورهای جهان سوم منجمله افغانستان از سالها بدینسو جاری است و جریان دارد . لهدا در پرتو چنین واقعیت های تلخ تاریخ کشور ما باید بدانیم که دل بستن به چنین ارقام توخالی نه تنها راه حل مناسب نیست بلکه برسمیت شناختن و تقویت سیستمی است که از سالها بدینسو روح و روان مردم و ملت ما را می آزارند . چه کسی نه میداند که اگر مردم افغانستان بتوانند با عقلانیت و صداقت و با انجام اصلاحات ساختاری در تمامی حوزه های سیاسی ، اقتصادی - فرهنگی نظام کنونی حاکم بر جامعه را تغییر دهند بدون شک که در نخستین مرحله ای از اصلاحات کالبد مافیائی نظام حاکم بر افغانستان که بر پایه های تلفن های موبائیل استوار است منهدم میگردد و سپس بجایی این سیستم مافیائی چند ملیتی ارتباطات و مخابرات که شجره النسب آن با شرکتها و کارتل های نفتی و اسلحه سازی مانند **جنرال داینامیکس - شرکت های نفتی رویال داچ شل و یونیکال- بویینگ** و دهها شرکت صنعتی جهان بالخصوص کشورهای شامل در ائتلاف جهانی ضد تروریسم " میرسند سیستمی متناسب با روح و روان جامعه افغانی مستقر میگردد این کار ممکن نیست مگر اینکه انسان باشند این سرزمین بدون هرگونه تبعیض نژادی - مذهبی - زبانی و قومی در برابر ویروس مهلک اقتصاد و فرهنگ مصرفی نظام کنونی واکسینه و وقایه شده باشند و نه تنها فرد ، فردی از شهروندان جامعه ما بصورت فردی وقایه وواکسینه شده باشند بلکه فرآیند چنین واکسینا زاسیون و وقایه فردی را به یک حرکت همه گانی و میکانیزم فرهنگ زای اجتماعی مبدل ساخته باشند ....

**ادامه دارد**

\* اشاره به نامه ای ارسالی گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان که پس از بازگشت نواز شریف صدراعظم پاکستان از سفر یکروزه عنوانی حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان ارسال و منتشر گردید .